خبر

امام زمان(عج) موضوع یک رمان مصور ایرانی

کتاب «کبوترکاغذی» به‌نویسندگی لیلا مدرس‌پور و تصویرگری تکتم نوروزی با موضوع نامه برای امام زمان (عج) از سوی انتشارات کتاب جمکران منتشر شد.

به گزارش جام‌جم، داستان کتاب درباره نامه‌ای کوچک به اسم نامک است که توسط دختری به اسم نرگس که در یک روستای کویری زندگی می‌کند، نوشته شده است. نرگس برای مرد بارانی نوشته است به روستای آنها بیاید تا خشکسالی تمام و روستای‌شان دوباره سرسبز شود و اهالی که به‌علت خشکسالی از روستای آنها رفته‌اند دوباره به روستا برگردند. نامک به سرزمین آرزوها می‌رود. در آنجا به شکل کبوتر کاغذی در می‌آید و مأموریت پیدا می‌کند به‌دنبال مرد بارانی بگردد و پیام نرگس را به او برساند. ماجراهای زیادی برای نامک در این سفر دور و دراز اتفاق می‌افتد.

یکی از مسائل مهم در این زمینه، نحوه ارتباط برقرار کردن میان کودکان و امام زمان (عج)، آموزش غیرمستقیم است؛ مانند زبان قصه و داستان. برای آشنایی روح سرزنده، جست‌وجوگر و شوخ‌طبع کودکان باید از داستان‌های جذاب و خواندنی استفاده کرد. داستان‌هایی با ماجراهایی غیرقابل پیش‌بینی که این مفاهیم و موضوعات در آن پیچیده شده باشد. رمان کبوتر کاغذی به قلم لیلا مدرس‌پور با استفاده از همین عوامل نوشته شده است.

درباره حبیب ا... چایچیان در پنجمین سال درگذشت شاعر

آن که شهادت‌نامه عشاق را سرود

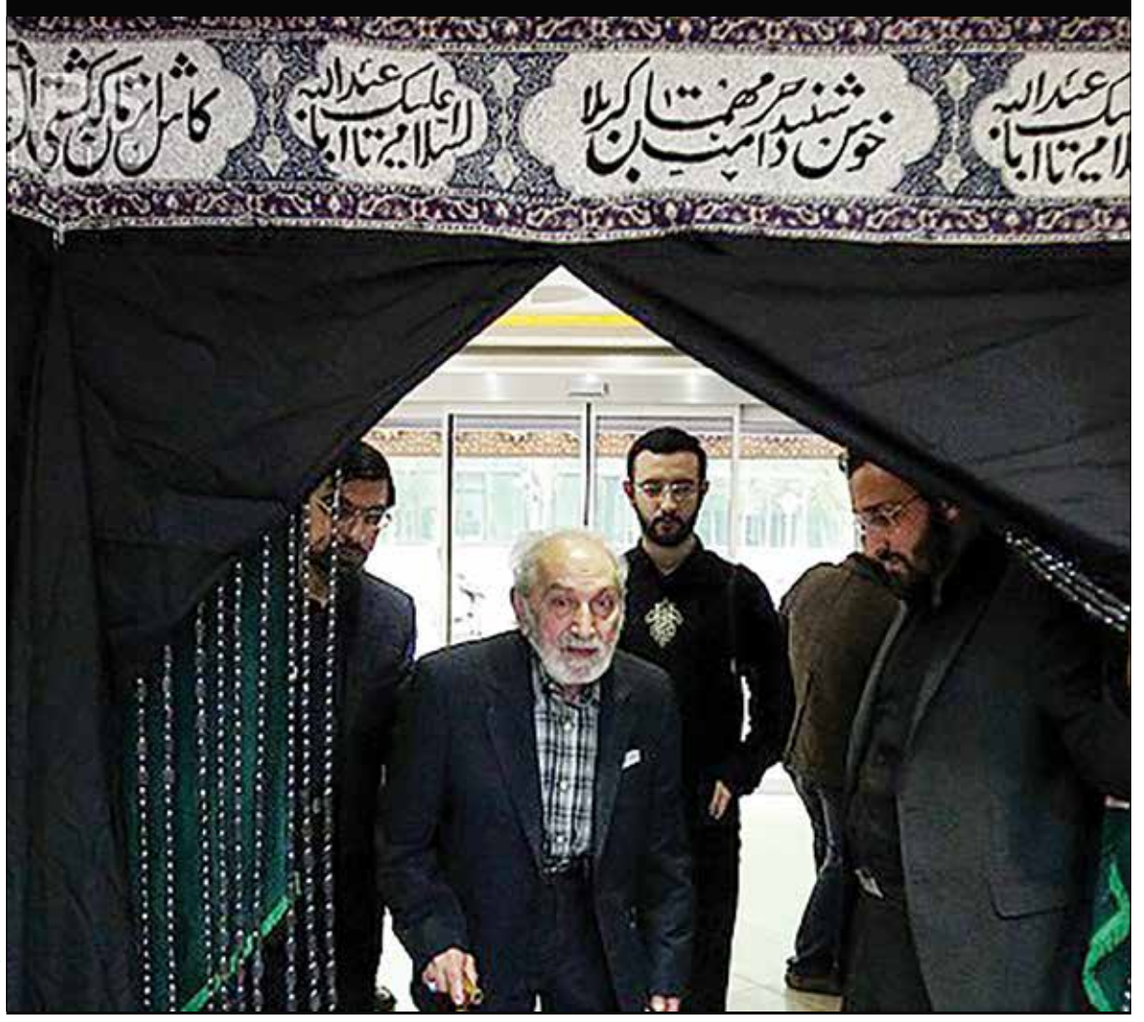

فارس

آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

احتمالا خیلی از شما که در روزهای تاسوعای حسینی وقتی در هیات‌های عزاداری دم گرفته و به سینه زده‌اید، این شعر را تکرار کرده‌اید که:

امشب شهادت‌نامه عشاق امضا می‌شود
فردا ز خون عاشقان، این دشت دریا می‌شود
امشب کنار یکدگر، بنشسته آل مصطفی
فردا پریشان جمع‌شان، چون قلب زهرا می‌شود

اما شاید خیلی‌های‌تان ندانید این شعر سروده کیست؟ اتفاقا امروز سالروز درگذشت شاعر همین شعر است و به همین مناسبت می‌خواهیم درباره زندگی این شاعر صحبت کنیم. شاعری که در طول زندگی ۹۴ ساله‌اش، شعرهای زیادی گفت اما یکی دو شعرش از جمله همان شعری که به آن اشاره کردیم، خیلی مشهور شد. در خلال مرور زندگی این شاعر خواهیم گفت شعر او در ادبیات آیینی ایران چه جایگاهی دارد و دلیل موفقیت او در تبدیل شدن به یکی از شاعران آیینی ماندگار سده اخیر چیست.

حبیب ا... چایچیان در ۱۵ سالگی پدرش را از دست داد و درانده‌وه از دست دادن او با خود زمزمه کرد:

پدرم رخت از این جهان بربست
کمرم از غم و محنت بشکست
می‌کنم لیک شکر یزدان را
گر پدر نیست باز مادر هست

مادرش که این سروده پسر نوجوانش را دید، او را تشویق کرد و چون خانواده آنها بسیار مذهبی بود، مادر از پسرش خواست زمانی که ذوق شاعری‌اش به‌طور کامل شکوفا شود، اشعاری در مدح و مرثیه ائمه(ع) بسراید. این توصیه چنان در دل پسر اثر می‌کند که او بعد از مدتی تصمیم می‌گیرد هیچ شعری جز شعر آیینی و مذهبی نسراید و به همین دلیل اگر مجموعه آثار این شاعر را یعنی کتاب‌های «گل‌های پریر»، «خزان گلریز»، «باغستان عشق»، «سایه‌های غم»، «ای اشک‌ها بریزید»، «خلوتگاه راز» و «چهل حدیث جالب از علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)» را بخوانید، می‌بینید که همه شعرهایش در همین حال و هواست و شاعر سروده‌های تغزلی و شخصی ندارد و همه توانایی هنری و ادبی خود را خرج ائمه(ع) کرده‌است.

البته چایچیان، در طول زندگی خود، یک بار کتابی را به فارسی برگرداند و در کارنامه کاری او ترجمه کتاب «زینب(س) بانوی قهرمان کربلا» اثر دکتر بنت‌الشاطی هم دیده می‌شود. یک کتاب هم گردآوری کرده‌است به نام فاطمه زهرا ام‌ابیها؛ مجموعه‌ای از مطالب علامه‌امینی درباره حضرت زهرا(س) و همان‌طور که می‌بینیم در همین فعالیت‌های ادبی جنبی هم او همان راه و خط را مورد توجه خود قرار داده‌است.

حالا که بحث کتاب فاطمه زهرا ام ابیها پیش آمد، بد نیست به خاطره‌ای از خود مرحوم چایچیان اشاره کنیم و بعد خواهیم گفت چرا این خاطره را نقل می‌کنیم.

ماموریتی برای یک شاعر

یکی از دوستان شاعر، کریم دستمالچی از چهره‌های ملی و مذهبی بود و البته بعد از انقلاب متاسفانه راهش از راه انقلاب جدا شد. دستمالچی ارتباط زیادی با مرحوم علامه‌امینی داشت و به واسطه همین ارتباط، چایچیان با علامه آشنا شده‌بود و هرگاه وی از نجف به تهران می‌آمد، این دو به دیدارش می‌رفتند. وسیله آشنایی نزدیک‌تر چایچیان با علامه‌امینی، شعری بود که از زبان عباس‌بن‌علی(ع) در شب عاشورا، خطاب به امام‌حسین(ع) سروده و به دل علامه‌امینی نشسته‌بود و تحسین و تمجید او را برانگیخته‌بود:

دوست دارم شمع باشم تا که خود تنها بسوزم
بر سر بالینت امشب از غم فردا بسوزم

زمانی که مرحوم امینی مشغول تألیف و تنظیم کتاب «الغدیر» بود، دستمالچی از علامه می‌خواهد کتابی هم درباره حضرت‌زهرا(س) هم بنویسد، علامه‌امینی نوشتن این کتاب را موکول به تمام شدن الغدیر می‌کند اما کریم دستمالچی به شوخی به علامه می‌گوید من صبر ندارم تا الغدیر تمام شود؛ شما هر وقت تشریف می‌آورید تهران، مباحثی پیرامون حضرت زهرا(س) بگویید تا استفاده کنیم. و بعد ضبط صوت بزرگی را از خانه می‌آورد و صحبت‌های علامه را طی جلسات مختلف ضبط می‌کند. در جلسات مختلف درباره مباحث مربوط به زندگی حضرت زهرا(س) از علامه‌امینی سؤال می‌شود ولی به دلیل این‌که جلسات به صورت دوستانه و خصوصی برگزار می‌شده و شرایط مباحثه علمی را نداشته، علامه موافق انتشار این نوارها نبوده‌است. البته بعدا مرحوم چایچیان در خواب می‌بیند ماموریت پیدا کرده‌است این متون شفاهی را به متنی مکتوب و مستند تبدیل کند. صبح همان شب، آقای دستمالچی به او زنگ می‌زند و می‌گوید خوب است این نوارها را برای انتشار آماده کنید و او هم نوارها را پیاده کرده و حاصل آن جلسات در محضر علامه به متن کتاب «فاطمه زهرا ام‌ابیها» تبدیل شده‌است. این کتاب را انتشارات موسسه امیرکبیر منتشر کرده و حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره حضرت زهرا(س) با استفاده از منابع مختلف به خصوص منابع غیرشیعی شده‌است.

مراقبت از کلمات

چایچیان در یکی از گفت‌وگوهایش تصریح کرده که یکی از اشعارش با الهام از کلمات علامه‌امینی در ابتدای این کتاب سروده شده‌است:

علی است نفس احمد و حقیقت محمدی
منم که بضعه النبی و با علی برابرم

از این مقدمه می‌خواستم به این نتیجه برسم که چایچیان اگرچه خود فردی مذهبی بود و در خانواده‌ای معتقد بزرگ شده‌بود، برای سرودن از اهل‌بیت(ع) به داشته‌ها و دانسته‌های خود محدود نمانده‌بود و سعی می‌کرد در این حوزه مطالعه کند و با ارتباط گرفتن با دانشمندانی چون علامه‌امینی و علامه عسکری به منابع فکری و مطالعاتی درجه یک شیعی دست پیدا کند و شعرهایش را براساس اطلاعاتی که از آنها دریافت می‌کند، بسراید.

چایچیان چنان مراقب این ارتباط و بهره‌مندی از علمای دینی بود که حتی دفترهای شعرش را قبل از چاپ به علامه می‌داد تا از نظر فکری و دینی اشتباه یا شبهه‌ای در اشعارش نباشد. او تعریف می‌کرد در یکی از این موارد، علامه به او گفته‌بود این شعرها همه در تولاست، پس تبرایش کو؟ این خصلت و ویژگی به ویژه در نسل جوان شاعران آیینی ما کمرنگ شده‌است و آنها به جای مطالعه و دریافت اطلاعات از منابع درجه اول، به شنیده‌ها و دلخوش کردن به تحریک احساسات مخاطبان‌شان قناعت کرده‌اند؛ به همین دلیل بسیاری از سروده‌های اخیر شعر آیینی ما برخلاف شعر شاعرانی چون چایچیان، پشتوانه فکری محکمی ندارد و گاه در دامن شبهات، انحرافات یا غلو می‌افتد.

شعر آیینی در دو مسیر

چنان که گفتیم، چایچیان شعرش را به صورت دربست وقف معارف اسلامی و دین و آیین کرده‌بود. برای او ادبیات و شعر وسیله‌ای برای نشر دین بود وگرنه به‌خودی خود ارزشی نداشت. او حتی هنگام انتخاب تخلص که یک سنت ادبی است، به قرآن تفأل زده‌بود و براساس آیه ۷۶ سوره الرحمن، تخلص «حِسان» را انتخاب کرد. چنین شاعری در دوراهی انتخاب میان شعر به معنای یک هنر صرف و شعر به عنوان رسانه‌ای برای القای پیام‌های مورد نظر شاعر، دومی را انتخاب می‌کند. یکی از دلایل این‌که گروه‌های مختلف اجتماعی، شعر حسان را می‌شنیدند و به دلشان می‌نشست، همین بود که او سعی داشت در شعر پیامش را بیان کند. به همین دلیل آموخته‌بود چگونه شعری بگوید که به سرعت با مخاطب ارتباط برقرار کند. خاطره‌ای در مورد او هست که روزی در جوانی شعری برای حضرت عباس(ع) سروده‌بود و در همان زمان در کربلا و حرم آن حضرت بود و به دلش افتاد کاش می‌شد آن شعر را در همان حرم مطهر بخواند. اتفاقا یکی از خادمان حرم او را شناخته‌بود و از او خواسته‌بود، شعری برای زائران بخواند. خادمان چهارپایه‌ای آوردند و حسان بر آن ایستاد و دستش را به ضریح رساند و شعرش را خواند و همه زائران در سکوت به شعر او گوش فرا دادند. این خاطره اگر چه مانند چند خاطره دیگر از زلالی روح و ارتباط قوی او با اهل‌بیت(ع) حکایت دارد، نشان‌دهنده این هم هست که شعر او ویژگی خاصی دارد که حتی در یک سرزمین دیگر و در محیطی که فضای شعرخوانی فراهم نیست، می‌تواند به سرعت با مخاطبان عام ارتباط برقرار کند. به همین دلیل است که او در شعرش به آرایه‌های ادبی و خیال‌انگیز و آراستن شعر به هنرورزی‌های زبانی و معنایی، چندان نمی‌اندیشد. اگر شعر آیینی او را با شاعر دیگری مثلا غلامرضا شکوهی مقایسه کنید، از نظر ارزش‌های ادبی و هنری، استفاده از تصویرهای بدیع و کشف‌های شاعرانه حتما نمره کمتری می‌گیرد اما از نظر نفوذ در میان گروه‌های مختلف مردم و تبدیل شدن به زمزمه خلوت، کمتر شاعری توفیق حسان را داشته‌است.

برای دیدن فیلم شعرخوانی استاد حسان کیوآرکد را اسکن کنید

درنگ

مرده‌ها تنها یک مطلب را به ما گوشزد می‌کنند...

انسیه موسویان
شاعر و منتقد

اگر عاشق شعرهای سهراب سپهری هستید، کتاب‌های پائلو کوئیلو و جبران خلیل جبران را می‌خوانید، اگر دوستدار جملات قصار یا گزین‌گویه‌ها و متن‌های عرفانی، ادبی و شاعرانه هستید و اگر در کتاب‌های داستان و رمان، صرفا به دنبال وقایع و حوادث داستان نیستید بلکه ردپای فلسفه، تفکر و جهان‌بینی نویسنده را نیز در خلال داستان جست‌وجو می‌کنید، قطعا از خواندن کتاب‌های کریستین بوبن، نویسنده‌ای که همین هفته درگذشت؛ لذت خواهید برد. نویسنده نامدار فرانسوی که به دلیل نگاه فلسفی عمیق در نوشته‌ها و نثر شیوا و شاعرانه آثارش، مشهور شده است. او نقاشی چیره‌دست است که با کلمات نقاشی می‌کند. کریستین بوبن (Christian Bobin) ۲۴ آوریل ۱۹۵۱ در شهر کوچک لوکروزو در فرانسه به دنیا آمد. شهری آرام و کوچک با طبیعتی دل‌انگیز و چشم‌نواز که بوبن آن را عاشقانه دوست داشت و نشانه‌های آن در جای جای آثارش، به چشم می‌خورد. بوبن در رشته فلسفه تحصیل کرد و مشاغل مختلفی از قبیل روزنامه‌نگاری، کار در کتابخانه و موزه و گذراندن دوره‌های مددکاری روانی را تجربه کرد اما نوشتن و ادبیات را بیشتر دوست داشت. او فیلسوفی است که پیچیده‌ترین موضوعات فلسفی را در ساده‌ترین جملات بیان می‌کند. مرگ، زندگی، عشق، ایمان، امید، شادی، رنج و... مهم‌ترین موتیف‌های تکرارشونده در آثار او هستند.

زنان و دختران در کتاب‌های او حضوری برجسته و پررنگ دارند و او به زیبایی هرچه تمام‌تر به بیان احساسات، مسائل ذهنی و دغدغه‌های زندگی آنها می‌پردازد. کریستین بوبن توانسته موضوعاتی مانند کودکی، تنهایی و عشق را با زبانی که ترکیبی از نثر و شعر است در قالبی تلفیقی از داستان و واقعیت قرار دهد. هنگام مطالعه آثارش دوست داری زیر تمام جمله‌های قصار خط بکشی یا هر بار برگردی و سطرهای قبل را با تمرکز و توجه بیشتر بخوانی. نگاه عرفانی و هستی‌شناسانه او به تمامی پدیده‌ها و عناصر تقریبا در تمام آثارش به چشم می‌خورد. کریستین بوبن بیش از ۶۰ کتاب نوشته که برخی از آنها جوایز ادبی بسیاری را هم از آن خود کرد. خوشبختانه کتاب‌های زیادی از این نویسنده در کشور ما ترجمه و منتشر شده است و شوربختانه این‌که تعدد مترجمان و تنوع ناشران، انتخاب کتاب را برای مخاطب دشوار می‌سازد. مهوش قویمی، دل‌آرا قهرمان، دینا کاویانی، پیروز سیار و سید حبیب گوهری راد تنها نام چند نفر از مترجمان آثار بوبن است. طبیعی است برای مخاطب عام یا کسی که برای نخستین بار به سراغ کتاب‌های او می‌رود، انتخاب بهترین ناشر و بهترین مترجم چالش بزرگی است.

از آنجا که نثر بوبن، نثر مسجع و شاعرانه است، توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که در فرآیند ترجمه این شاعرانگی و آهنگ کلمات و جملات، حفظ شود. شاید بگویید در روزگاری که مملو از هزاران مشکل و مسأله است، خواندن این نثرهای رمانتیک و شاعرانه چه دردی را دوا می‌کند و اصولا مطالعه آن چه ضرورتی دارد؟ پاسخ در خود سؤال است؛ دقیقا به دلیل بودن در چنین روزگاری، مطالعه آثار بوبن همچون روزنه و کورسوی نور و امید در دل تاریکی است.

برای خواندن متن کامل کیوآرکد را اسکن کنید

برش

آمدم ای شاه پناهم بده!

یکی از مشهورترین شعرهای مرحوم حبیب ا... چایچیان، شعر معروف «آمدم ای شاه پناهم بده/ خط امانی زگناهم بده» است که با صدای زنده‌یاد محمدعلی کریمخانی مشهور شده و اغلب زائران حرم مطهر رضوی هنگام زیارت، ناخودآگاه آن را زمزمه می‌کنند.

چایچیان درباره ماجرای سرودن این شعر چنین گفته‌است: «شعر ای شاه پناه بده که درباره امام‌رضا(ع) است زمانی به من الهام شد که با مادرم به مشهد رفته بودیم. مادرم همیشه ارادت ویژه‌ای به چهارده معصوم(ع) داشت؛ مادر دوبار پشت سرهم و در فاصله زمانی نزدیک به هم سکته کرد. دکتر به من گفت: فردی که این‌گونه سکته کند، کمتر زنده خواهد ماند.

آن موقع به مادرم گفتم چه آرزویی دارد. او گفت: آرزوی من این است که یک‌بار دیگر حضرت‌رضا(ع) را زیارت کنم. با این‌که راه رفتن برایش دشوار بود و حال خوبی نداشت، دو بازویش را گرفتم تا بتواند یواش یواش حرکت کند و به مشهد رفتیم. حرم مثل همیشه خیلی شلوغ بود. وارد شدن به حرم مشکل و برای مادرم غیرممکن بود.

گفتم: مادرجان از همین جا سلام بدهی زیارت است. گفت: ما قدیمی‌ها تا ضریح را نبوسیم به دل‌مان نمی‌چسبد. گفتم: دل چسبی‌اش به این است که حضرت جواب بدهند. بازوی مادر را گرفته‌بودم و همین‌طور به سمت ضریح حرکت می‌کردیم که در همین حال این شعر را سرودم:

آمدم ای شاه، پناهم بده خط امانی زگناهم بده
ای حَرَمَت ملجأ درماندگان، دور مران از در و راهم بده
ای گل بی خار گلستان عشق قرب مکانی چوگیاهم بده
لایق وصل تو که من نیستم، اذن به یک لحظه نگاهم بده.

وقتی شعر به «تخلص» رسید، دیدم مادرم با آن ازدحام که آدم سالم نمی‌توانست برود، خودش را به ضریح رساند و ضریح را بوسید؛ من هم ضریح را بوسیدم و این شعر در حقیقت زبان حال مادرم در آخرین لحظات عمرش است.»

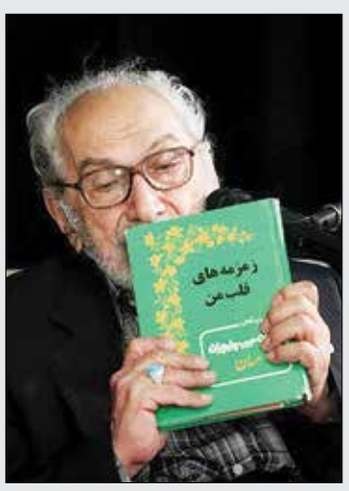

زبان فارسی

موانع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توسعه زبان

ابراهیم خدایار، رئیس انجمن نقد ادبی ایران با اشاره به موانع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پذیرش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای حوزه تمدنی مشترک گفت: برخی از کشورهای فرامنطقه‌ای با ایران‌هراسی، مانع حضور ایران و زبان فارسی در کشورهای حوزه تمدنی شده‌اند و زبان‌های جهانی روسی و انگلیسی نقش ایران را در حوزه تمدنی مشترک به عهده گرفته‌اند. وی همچنین با بیان این‌که خط فارسی با هویت کشورهای حوزه تمدنی مشترک پیوند دارد، عنوان کرد: خوشنویسی با خط فارسی از هنرهای محبوب در کشورهای حوزه تمدنی است و زبان فارسی میراث مشترک اغلب ساکنان حوزه تمدنی محسوب می‌شود. ادبیات فارسی نیز یکی از علت‌های اساسی شکل‌گیری فرهنگ مشترک در کشورهای حوزه تمدنی است و گسترش زبان فارسی به همگرایی بین ملت‌های این منطقه تمدنی و تقویت هویت مردم کشورهای حوزه تمدنی منجر می‌شود. اگر بتوان زبان فارسی را با تولید علم و فناوری تقویت کرد و آن را به سطح زبان علمی منطقه‌ای و جهانی ارتقا داد می‌توان امیدوار بود از نابودی باقیمانده زبان فارسی در این حوزه جلوگیری شود./ایبنا

داستان

چاپ سوم کتابی از سید مهدی شجاعی

چاپ سوم مجموعه داستان «سری که درد... می‌کند» اثر سید مهدی شجاعی با طرح جلدی جدید از فرزاد ادیبی از سوی انتشارات کتاب نیستان منتشر شد.

این کتاب، متشکل از هشت داستان است که به تصریح خود نویسنده در مقدمه «داستان‌های این مجموعه هر کدام حال و هوای خودش را دارد» و نویسنده امید دارد که داستان‌ها به جای ارتباط با یکدیگر بتوانند با مخاطب رابطه برقرار کنند.

داستان‌های این مجموعه عبارتند از: لوطی‌گری، حلقه مفقوده، نیازمند آبرومند، سری که درد ... می‌کند، جام جهان‌بین، قصه و ...، دست کج، زبان راست، آخر مرام.

متن زیر از دست کج، زبان راست انتخاب شده است: بعضی از آدم‌ها... حتی نسبت به رشوه و اختلاس هم نظر مثبتی ندارند و اگر زمانی در معرض داد و ستد رشوه یا انجام اختلاس قرار بگیرند به انحای مختلف سعی می‌کنند اسم دیگری روی آن بگذارند و شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنند؛ از ترس این که مبادا مورد سرزنش دیگران واقع شوند یا وجدان درد بگیرند.

قاب

خواننده برای شاعر خواند

این عکس را خبرگزاری مهر از مراسم یادبود حبیب ا... چایچیان (حسان) شاعر اهل بیت در مسجد ارگ ثبت کرده است. دراین عکس زنده‌یاد کریم خانی که با خواندن شعر چایچیان برای امام رضا(ع) به شهرت و محبوبیت فراوانی رسید در حال خواندن به یاد شاعر است. امروز درحالی این عکس را مرور می‌کنیم که پنج سال از درگذشت این شاعر گذشته و خواننده هم به او پیوسته است. جایگاه هردوی آنها در بهشت امن الهی باد!